



آیین نامه جدید فیفا، فرصت و تهدید

آیین‌نامه انضباطی جدید فیفا تازه‌ترین تلاش این سازمان بین‌المللی برای سامان دادن به برطرف‌دارترین و البته پرحاشیه‌ترین ورزش جهان است. در سال‌های گذشته فوتبال از نظر رسانهای و گردش مالی بزرگ‌تر شده و به همان اندازه حاشیه‌های آن رشد کرده تا جایی که گاهی از متن سبقت می‌گیرد و آن را زیر سایه قرار می‌دهد.

فیفا به عنوان متولی شماره یک و محافظ اصلی فوتبال و منافض مأموریت دارد آن را از هر گونه انحراف و آسیبی مصون نگه دارد و یکی از مهم‌ترین اهرم‌ها همین آیین‌نامه انضباطی است. فیفا سرسختانه به دنبال محافظت از تصویر فوتبال است و در مرحله دوم این ورزش را به عنوان یک ماشین پول‌سازی می‌بیند که از بین رفتن اعتماد هواداران و اسپانسرها می‌تواند حرکتش را مختل کند.

فیفا در آیین‌نامه جدید سختگیری علیه تمام ارکان فوتبال را بیشتر کرده به امید اینکه فرزند درنازش را محافظت کند و هر کسی که از این موارد تخلفی کند با جریمه‌های سنگینی روبه‌رو خواهد شد.

آیین‌نامه جدید واکنش فیفا به تحولاتی است که روی فوتبال هم تأثیر گذاشته و لازم بود که درباره آنها تصمیمی گرفته شود. یکی از آنها شبکه‌های اجتماعی است که باشگاه‌ها و ستاره‌ها حضور پررنگی در آن دارند و روز به روز عمق نفوذ آنها بیشتر می‌شود. هر توییت یا استوری بازیکنی مثل رونالدو یا مسی می‌تواند توفانی در فوتبال جهان به پا کند و نمی‌توان آنها را خارج از کل ماجرای فوتبال دید.

شرط‌بندی یکی دیگر از مواردی است که گسترش آن به لطف فضای مجازی سلامت فوتبال را دالما تهدید می‌کند و مجازات سنگین بازیکنان یا تیم‌هایی که در آن شرکت کنند، قرار است عملی بازدارنده باشد.

رفتارهای تبعیض‌آمیز که می‌تواند به اصل برابری و مساوات در فوتبال آسیب بزند، مورد مهمی است که فیفا تصمیم دارد به شدت با آن برخورد کند و به باشگاه‌ها و فدراسیون‌ها هشدار داده که در برابر آن هیچ‌گونه تسامحی نداشته باشند.

فوتبال ایران هم نمی‌تواند نسبت به این اساسنامه بی‌تفاوت بماند و از اسواچ آن در امان باشد. فیفا از فدراسیون‌ها به عنوان زیرمجموعاش خواسته که این اساسنامه را به چشم مرجع ببینند و اجازه ندارد بر خلاف آن پیش بروند.

فوتبال ایران معمولاً با تغییر و تحول میانه خوبی ندارد و فدراسیون هم ترجیح می‌دهد روی نسوار تکرار حرکت کند، چه درباره برگزاری مسابقات باشد چه به روزرسانی قوانین. این بار هم مثل موارد قبسل توصیه فیفا به عنوان یک نهاد بین‌المللی و بالادستی تنها نیروی محرکی است که می‌تواند مدیران را به حرکت وا دارد و آنها را از این دور تکرار خارج کند.

اگر بخواهیم مواردی از این آیین‌نامه انضباطی جدید فیفا که فوتبال ایران را درگیر می‌کند بشماریم به موارد متعددی می‌رسیم. یکی از مهم‌ترین آنها بدقولی‌های مالی باشگاه‌های ایرانی است. روزی نیست که خبری از شکایت یک بازیکن یا مربی خارجی از یکی از باشگاه‌های ایرانی منتشر نشود. فیفا با توجه به همین بدقولی‌ها تصمیم گرفته سختگیری‌هایش را بیشتر کند و در آیین‌نامه جدید مهلت پراخت بدهی کوتاه‌تر و جریمه‌ها سنگین‌تر شده. این تهدید بزرگی برای باشگاه‌های ایرانی است که در صورت بدقولی مالی با خطر جدی محرومیت از پنجره نقل و انتقالات، کسر امتیاز و سقوط به رده‌های پایین‌تر روبه‌رو می‌شوند. این جریمه‌ها آسیبی جدی برای کیفیت و شان لیگ است و فدراسیون برای جلوگیری از چنین فاجعه‌ای باید راهکاری برای ملزم کردن باشگاه‌ها به نظم مالی بیشتر پیدا کند. تعریف نظام مالی جدید و سیستم پرداخت‌ها و برخورد جدی با باشگاه‌های بدهکار تنها فرمولی است که می‌تواند فوتبال ایران را از این بلشو نجات دهد.

رفتارهای آموزش‌ندیده بازیکنان و مربیان در شبکه‌های اجتماعی یکی دیگر از افت‌های جدید فوتبال ایران است که امواج مخرب آن خیلی زود به زمین فوتبال می‌رسد. همانطور که فیفا رعایت اخلاقی در این حوزه را الزام‌آور کرده، فدراسیون فوتبال هم باید سختگیری مشابهی را اعمال کند.

پیش از ظهور شبکه‌های اجتماعی، رسانه‌ها نقش فیلتر را هم داشتند و حرف‌ها و نظرات عوامل فوتبال را تعدیل می‌کردند، ولی حالا آنها با فشار یک دکمه می‌توانند بدون سانسور با مخاطب در ارتباط باشند. نتیجه میدان نبرد جدیدی است که بازیکن و مربی و هوادار در آن به همدیگر پرخاش می‌کنند و گلوله برفی بی‌احترامی و توهین روز به روز بزرگ‌تر می‌شود.

فیفا در این سال‌ها تلاش کرده فضای فوتبال مبتنی بر اصول انسانی باشد و این شامل درون زمین و البته سکوا می‌شود. در این آیین‌نامه واژه‌هایی مثل خشونت، نفرت‌پراکنی و تبعیض جزو خط قرمزهاست و به همه توصیه شده که از آنها پرهیز شود. فوتبال قرار است تفریح سالمی برای خانواده‌ها و الگوی مناسبی برای کودکان باشد و خشونت و نفرت آسیبی جدی به این تصویر است.

فوتبال ایران در این سال‌ها چقدر تلاش کرده به سمت تلطیف فضا حرکت کند؟ برنامه نود به عنوان آینه فوتبال ایران هر هفته موارد زیادی از خشونت فیزیکی و کلامی را به تصویر می‌کشید و متأسفانه از طرف بزرگان و متولیان فوتبال هیچ تلاشی برای بهبود فضا صورت نگرفته. فوتبال ایران برای اینکه روح تازه‌ای پیدا کند نیاز به یک بازیگری اساسی و تحول ریشه‌ای دارد. آنچه به عنوان اخلاقی فوتبال نام می‌بریم، اصولی است که مثل تکنیک‌های اولیه باید از سنین کودکی به بازیکنان آموزش داده شود. احترام به مربی، داور، حریف و تماشاگر و به طور کلی رعایت اصول بازی جوانمردانه به اندازه مهارت‌های فردی اهمیت دارد و بی‌توجهی به آنها ضربه جبران‌ناپذیری به محبوبیت و جذابیت فوتبال است.

متأسفانه فوتبال پایه در ایران گرفتار بیماری نتیجه‌گرایی شده و «برد به هر قیمت» برای بازیکنان خردسال و نوجوان بالاتر از هر اصل اخلاقی قرار می‌گیرد. درگیری‌های درون زمین و جنگ‌های لفظی که گاهی تا چند روز بعد از بازی ادامه دارد، نتیجه فراگیری همین نگاه و بی‌توجهی به اصول اخلاقی است، طوری که گاهی حتی هواداران هم از رفتار بازیکنان تیم مورد علاقه‌شان ابراز انزجار می‌کنند.

شرط‌بندی هرچند در ایران محدود و تقریباً غیرقانونی است، ولی با گسترش پول‌های دیجیتال و فضای مجازی امکان آن با هر گوشی هوشمندی فراهم است. بررسی آسیب‌های شرط‌بندی و راه‌های کاهش آن در این بحث نمی‌گنجد، ولی اگر زاویه فدراسیون به این ماجرا نگاه کنیم، باید دقت زیادی به کار برده شود تا این عادت جدید به کاتالیزوری برای گسترش تبانی در فوتبال تبدیل نشود. حتی در کشورهایی که شرط‌بندی منعی قانونی ندارد، بازیکنان یا مربیان از آن به شدت منع می‌شوند و این اصلی خدشه‌ناپذیر برای حفظ سلامت فوتبال است.

آیین‌نامه انضباطی جدید فیفا برای فوتبال ایران هم فرصت است هم تهدید. اگر فدراسیون عزمی برای اصلاح اساسی فوتبال داشته باشد، این فرصت خوبی است تا تغییراتش را کلید بزند و به سوی پاکسازی فوتبال حرکت کند. در طرف دیگر انفعال و بی‌تفاوتی می‌تواند عواقب سختی داشته باشد و احکام فیفا می‌تواند ناگهان بر سر فوتبال ایران آوار شود. پس افرای نیست اگر بگوییم این‌یک برهه تاریخی برای فوتبال ایران است اما با آنچه از تعلل مدیران در سال‌های گذشته دیدهایم امید زیادی به بهبود اوضاع نیست.



همزمان با قرعه‌کشی لیگ برتر ایران ورزشی آیین‌نامه انضباطی ۲۰۱۹ فیفا را منتشر کرد

آخرین هشدار به تمام ارکان فوتبال ایران

باشگاه‌هایی که حقوق بازیکنان و مربیان‌شان را نمی‌دهند تا زمان تسویه حساب کامل از نقل وانتقالات محروم می‌شوند.

هیچ یک از اعضا حق ندارد به هر شکل و شیوه‌ای تبعیض‌های جنسیتی اعمال کند.

استفاده از یک رخداد ورزشی به‌منظور نمایش چیزهایی با ماهیت غیرورزشی با جریمه روبه‌رو خواهد شد.

واگذاری باشگاه به یک مالک جدید باعث انتقال بدهی‌ها به تیم جدید مدیریتی می‌شود.

روشن کردن مواد آتش‌زا یا استفاده از لیزر با جریمه روبه‌رو می‌شود.

شرکت کنندگان در روندهای تقلب و تبانی در مسابقات با محرومیتی حداقل پنج ساله جریمه خواهند شد.

گزارش نکردن پیشنهاد تقلب یا تبانی حتی در صورت عدم همکاری هم با ۲ سال محرومیت روبه‌رو می‌شود.

داوران تحت برخی شرایط می‌توانند تیم‌های متخلف را در همان جریان بازی بازنده اعلام کنند.

تحریک تماشاگران به هر منظوری دست کم ۲ جلسه محرومیت به‌همراه خواهد داشت.

برداشتن هزینه‌های دادرسی برای شکایت اشخاص تحت شرایط خاص.

بازیکنان و مربیان اخراج‌شده حق مصاحبه در ورزشگاه را ندارند.

رفتارهای غیرورزشی در بیرون زمین و از جمله در شبکه‌های اجتماعی می‌تواند با محرومیتی یک تا ۱۰ جلسه‌ای روبه‌رو شود.

بازیکنانی که با هر عملی (از جمله تمارض) باعث شوند داور تصمیمات غلطی بگیرد دست کم ۲جلسه محروم می‌شوند.

بدرفتاری بازیکنان در صورت دیده نشدن توسط داوران در جریان بازی می‌تواند توسط کمیته‌های انضباطی با جریمه روبه‌رو شود.

دریافت عمدی کارت زرد برای محرومیت در مسابقه آتی با جریمه روبه‌رو خواهد شد.

استفاده از حرکات، کلمات، اشیا یا هر وسیله دیگری برای انتقال پیامی که برای یک رویداد ورزشی مناسب نیست به‌ویژه پیام‌هایی که ماهیت سیاسی، ایدئولوژیکی، مذهبی یا توهین‌آمیز دارند، جریمه خواهد داشت.



غار تاریک فوتبال ایران

فوتبال ایرانی پدیده‌ای منحصربه‌فرد و عجیب است. شبیه یک دستگاه خیالی است که آدم‌ها را درون خودش می‌کشد تا با تمام توان به در بسته بزنند. در این دستگاه خیالی، آدم‌ها هم ناگزیرند که بعد از کمی این در و آن در زدن، آرام بگیرند و عادات خود را با هرچه هست و نیست، تطبیق دهند. دوست و آشنا ندارد! در اتمسفر فوتبال ایران غریبه‌ها خیلی زود قواعد بازی را یاد می‌گیرند؛ به این روزهای ویلموتس نگاه کنید. ساکت مقابل حجم بزرگ بی‌برنامگی. مدیران، مربیان و بازیکنان فوتبال مسا اولین اصلی را که در این فوتبال می‌آموزند، کوچک کردن افق دیدشان است تا راحت‌تر و کم دردستر در بخشی از اقتصاد ورشکسته فوتبال باقی بمانند. ناگفته پیداست که فعالیت در فوتبال ایران با استانداردهای فوتبال روز دنیا منطبق نیست. در مقام تشبیه، فوتبال ما اتفاقی است با سقفی کوتاه و پر از اسباب و اثاثیه‌هایی کهپنهان که یادگار گذشتگان است و برای امروز ما کمی قدیمی.

تا پیش از حضور علی کفاشیان و مهدی تاج، یعنی تا قبل از سال ۸۶ «عدم ثبات مدیریتی» پاشنه آشیل فوتبال ما بود و از آن سال به بعد، «حرف حق» هم در نایاب مدیریت فوتبال ما شد. از سال ۸۶، دوازده سال گذشته، علی کفاشیان و مهدی تاج حرف‌های بزرگی زدند، وعده‌های زیادی دادند اما فوتبال ما در کلیت خود تکانی نخورده است. بزرگی گفته بود آدم‌ها را باید در وابستگی یا عدم وابستگی‌شان به «کتمان حقیقت» شناخت. گفته بود داشتن صداقت با خود و با دیگری و شناخت درونی از این مواجهه با صداقت است که می‌تواند سنگ محک عملکرد آدم‌ها باشد. کتمان حقیقت هراس‌آور است چراکه اگر مکرر شد و تداوم یافت، آدم را تنها می‌کند. و هراس‌آورتر است وقتی که مدیر و مسئولی به کتمان حقیقت متوسل می‌شود تا سیاست‌ها و عملکرد خود را توجیه کند؛ در چرخه‌ای از دروغ‌ها و ندیدن‌ها و نخواستن‌ها گیر می‌افتد. فوتبال ما امروز با افت کتمان حقیقت مواجه است.

رئیس فدراسیون فوتبال در تنگنای سختی گرفتار آمده است. تا‌کامی‌های سربلایی تیم‌های پایه، بی‌برنامگی ملمسوس در لیگ برتر، عدم وجود دورنمای روشن برای آینده، ابهامات بدون پاسخ، اختلافات آشکار با وزیر ورزش، بحران بازنشستگی، بحران در برگزاری مسابقات فوتبال و حساب‌های بسته و ناشفاف فدراسیون فوتبال همگی شرایط را برای آقای رئیس سخت‌تر از گذشته کرده است. بسیاری از کارشناسان و تحلیلگران ورزش، فدراسیونی که مهدی تاج آن را «پنج ستاره» خوانده، فدراسیون موقفی نمی‌دانند وقتی که علاوه بر حذف از جام ملت‌های آسیا، تیم ملی نوجوانان از مرحله گروهی هم حذف شد و به جام جهانی راه نیافت. وقتی که تیم ملی جوانان در مرحله اول مقدماتی حذف شد و به جام جهانی نرفت. وقتی که تیم ملی امید نتوانست به قهرمانی آسیا برسد و تیم ملی زنان هم با تا‌کامی‌های زیادی مواجه شد. وضعیت اقتصادی فوتبال هم تعریفی ندارد. نه از پول حق پخش تلویزیونی خبری هست و نه پولی برای تبلیغات دور زمین پرداخت می‌شود. فوتبال ایران که قرار بود دورانی تازه را پشت‌سر بگذارد، هنوز درگیر اشکالات ساختاری است. هنوز که هنوز است توجه به سه اصل شفافیت مالی، استقلال و درآمدزایی در همه ارکان مدیریتی فوتبال ایران، از فدراسیون گرفته تا باشگاه‌های دولتی و هیأت‌های استانی، مغفول مانده است. نتیجه اینکه فوتبال ایران در یک دهه اخیر، نه‌تنها پیشرفت قابل ملاحظه‌ای نداشته، بلکه در نگاه افکار عمومی، سرفت قابل توجهی داشته است.

امروز با فوتبالی مواجهیم که نه تنها سامان مدیریتی، شفافیت مالی و ثبات سیاست‌گذاری اقتصادی در جهت درآمدزایی ندارد بلکه در نتیجه این سیاست‌گذاری‌های پر از اشتباه از تجربه‌آموزی در محیط‌های بین‌المللی هم دور مانده است. فوتبال ما جزیره‌ای شده؛ جزیره‌ای در دل جغرافیای بزرگ ایران که نه به اقیان‌های بازر راه دارد و نه اجازه حضور فکری باز درون خودش را می‌دهد. فوتبال ایران هم‌قد مدیریت‌های ناسامان این سال‌هایش شده و هرچه زمان می‌گذرد و هرچقدر فوتبال ایران بر سال‌های عمرش اضافه می‌شود، حرکتش کندتر و کندتر می‌شود. ما امروز شاهد یک فوتبال سنتی هستیم؛ نمایشی با عمق‌کم نمایان در همه ششون. فوتبال ما به‌دلیل فقدان نگاه آینده‌نگرانه، تحولی در خود نمی‌بیند. زمان در فدراسیون فوتبال ایران متوقف شده و فوتبال ما به‌رغم پتانسیلی که برای رشد و توسعه در خود داشت، درجا زده، به عقب برگشت و موجبات نارضایتی هوادارانش را فراهم کرد. خواست پرش به جلوی هواداران، به در بسته کارنابدی مدیران خورد و این‌دوگانگی، مدیران را هراسناک از آینده و هواداران را نگران آینده کرد. حالا اوضاع به گونه‌ای رقم خورده که جامعه فوتبال ما، چشم‌اندازی ندارد و نمی‌تواند آینده را پیش‌بینی کند. از یک‌کم طرف می‌دانیم که جایی ایستاده‌ایم که پایین‌تر از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های فوتبال ماست و از طرف دیگر نه می‌دانیم آینده چیست و نه می‌توانیم خود را در مقام هوادار، رسانه، مدیر و صاحب نفع در فوتبال، برای انطباق با آن آینده آماده کنیم و نه حتی می‌توانیم امیدوار باشیم که در شکل‌گیری آینده فوتبال، می‌توانیم مشارکت نسبی داشته باشیم. وضعیت امروز ما هواداران و رسانه‌ها و کارشناسان فوتبال مانند آدم‌هایی است که به غلاری تاریک و ناشناخته ورود کرده‌اند و پیش‌بینی حرکت بعدی را ندارند. مدیران فوتبال به عمد، ما را در این وضعیت قرار داده‌اند تا توقعات‌مان از فوتبال و از آنها کم و کمتر شود و آنها هم در این سردرگمی، تن به قضا و قدر دهند و منتظر برگ برنده مدیریت قضاوقدری خود یعنی شانس بنشینند؛ تلاش و اراده و حرکت به سمت هدف پول هیچ. این مدیریت قضاوقدری، همان بود که در دوران مدیریت علی کفاشیان تجربه کردیم و حالا مهدی تاج هم، روی همان صندلی نشسته و با همان میراث مدیریتی سروکله می‌زند.

یک مقایسه عادی شاید به فهم بهتر حرف کمک کند؛ در حالی که زاپس تنها در فوتبال – بقیه سیاست‌گذاری‌هایش اینجا به‌ کار ما نمی‌آید – به برنامه‌ریزی بلندمدت و چشم‌انداز صدها ساله روی آورده است، ایران بعد از انقلاب، تنها یک‌بار تن به رویکرد آینده‌نگرانه داد و اواخر دهه ۱۳۷۰ سند چشم‌انداز ۲۵ ساله را با هدف ثبات نسبی در سطح سیاسی، اقتصادی، امنیتی و فرهنگی ترسیم کرد و خلال در سال ۹۸، آگاهانه و به‌عمد، نتوانستیم به اهداف تعیین شده در سند چشم‌انداز برسیم. این شکل از مواجهه با هدف‌گذاری‌های بلندمدت سیاست‌گذاران کلان کشور، گویا چراغ راه مدیران فوتبال ایران هم شده و آنها هم به عمد از «برنامه» و «استراتژی» فاصله گرفتند. به جای جواب دادن، خندیدند و از برنامه‌ها و آینده فوتبال چیزی نگفتند. یک برگ برنامه روی پرونده فوتبال ایران نگذاشتند. خانواده بزرگ فوتبال را به هیچ گرفتند و مدیریت آسان خود را در دو تکنیک خلاصه کردند؛ اول، کوچک کردن صندلی ریاست و انتخاب نزدیکانی که از آینده خود مطمئن نباشند و دوم، حرکت در مسیریک که رئیس فعلی فدراسیون فوتبال مشخص می‌کند و احدی حق ندارد برسرند «چرا؟». زیر سایه اتخاذ این تکنیک‌ها وضع فوتبال هم همین شد که حالا داریم می‌بینیم؛ فوتبالی بدهکار به باشگاه‌ها. زمان زیادی را از دست داده‌ایم اما همیشه می‌شود «قدر وقت» را ندانست. شاید حالا و قیفاً همین حالا زمان آن باشد که با «برنامه‌ریزی» رای «آینده» فوتبال‌مان را نجات دهیم. برای نجات فوتبال باید همه دست به کار شویم.